امنیت انرژی در گرو ثبات قیمت انرژی

فرمند، رضا

برای برقراری چنین رابطه‏ای باید به امنیت انرژی در منطقه‏ اندیشید.البته تأمین امنیت انرژی در منطقه تا اندازه زیادی در اختیار ایران قرار دارد.در عرض همین یک سال گذشته منطقه‏ تشنجات شدیدی به خود دید،که به صورت چند مسئله همچنان‏ باقی است و بدون تردید بر ایران نیز تاثیر گذار بوده است؛مسائلی‏ همچون مسئله اعراب و اسرائیل،مسئله اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس،مسئله دسترسی ایران به تکنولوژی هسته‏ای که انشاء الله حل شده،و مسئله بسیار پیچیده شبکه القاعده که متاسفانه‏ گویا از عربستان ریشه گرفته است.این یک واقعیت است که‏ ایران به تنهایی قادر به حل همه مسائل نیست.ولی می‏تواند با سیاست عادلانه دستش را به طرف ممالکت همجوار و جامعه‏ بین المللی دراز کند و آماده همکاری در همه زمینه‏ها باشد؛ بخصوص در زمینه انرژی که برای ایران اهمیت ویژه‏ای دارد و بخصوص زمانی که از طرف آمریکا تا این حد تحت فشار است.

علیرغم این ادعا که آمریکا برای حل مسئله تروریزم وارد عراق شده،توجه به این نکته لازم است که دلیل اصلی آمریکا از ورود به عراق پایان دادن به مسئله تروریزم نبود.درست‏ است که حوادث یازدهم سپتامبر همه چیز را تغییر داده، ولی علت اصلی حضور آمریکا در منطقه«نفت»است.

آمریکا سالهاست که می‏کوشد برای جلوگیری از بالا رفتن‏ مصرف بنزین،قیمت این فرآورده را افزایش دهد.اما مخالفت‏ مردم با این سیاست مانع کار می‏شود و سیاستمداران نیز پاسخی‏ برای مردم ندارند.زیرا ترجیح می‏دهند به مردم نگویند هر اندازه تقاضا افزایش یابد در نهایت امنیت آمریکا به مخاطره‏ می‏افتد.از این نظر آمریکا سیاست گسترش منابع انرژی را در پیش گرفت.زیرا به هر صورت تولید این کشور محدود است‏ و کشورهایی مانند و نزوئلا و کشورهای آمریکای لاتین و روسیه و آفریقای غربی نیر تولید محدود دارند و به همین دلیل‏ وقتی نیجریه از خروج از اوپک سخن گفت آمریکا استقبال‏ کرد و اعلام کرد که همه نفت تولیدی این کشور را می‏خرد. با این همه،آمریکا می‏داند که بدون نفت خاورمیانه قادر به‏ ادامه حیات نیست،بنابراین تصمیم گرفت از داخل منطقه‏ خلیج‏فارس،و با تکیه کمتر بر عربستان،به منابع انرژی دست‏ یابد.به همین سبب وارد عراق شد تا با دسترسی به این منبع‏ بتواند تشنج احتمالی در عربستان را پشت سر بگذارد.البته نه‏ اینکه عراق را جایگزین عربستان کند،بلکه تنها با این هدف که‏ منبع دیگری در دسترس داشته باشد.به همین دلیل،روی‏ نفت عراق و افزایش تولید آن تاکید می‏کند.

افزایش تولید عراق برای ایران مشکل حادی است.اگر ایران‏ برای افزایش ظرفیت تلاش نکند،تولید عراق بیش از ایران خواهد شد و تضعیف نقش ایران در اوپک را به دنبال خواهد داشت.

این که در سال‏های اخیر درباره امنیت انرژی در سطح‏ بین المللی سخن گفته می‏شود،دلیلش وابستگی آن به‏ اوضاع سیاسی جهان است.نمی‏توان آن را از اوضاع سیاسی‏ جهانی جدا کرد و این موضوعی تفکیک ناپذیر است.با توجه‏ به وجود تشنج در دنیا،امروزه از لزوم امنیت انرژی بسیار سخن گفته می‏شود،از سوی دیگر جایگاه و نقش نفت در جهان این زمینه را ایجاد کرده که بیشترین مناقشات بر سر آن‏ پیش آید.زیرا بدون نفت صنعت امکان پیشرفت نخواهد داشت.در دنیای کنونی ارتش یعنی نفت،راه یعنی نفت، علم یعنی نفت.سرنوشت دنیا را نفت رقم می‏زند.در یک‏ کلام باید گفت نفت هسته تمدن جدید است.

امنیت‏ انرژی‏ در گرو ثبات قیمت‏ انرژی

رضا فرمند

انرژی و جریان بدون مانع آن،به‏ ویژه انرژی‏های فسیلی،دستمایه‏ همه فعالیت‏های اقتصادی است و هر گونه نکث در آن،آسیب‏هایی بس‏ جدی به رفاه جوامع وارد می‏کند.از این‏رو،برای همه کشورها،تامین‏ امنیت انرژی از حساسیت و اهمیت‏ و اولویتی انکار ناپذیر برخوردار است. با این حال همگان از امنیت انرژی‏ تعریفی یکسان ارائه نمی‏کنند.

برای مصرف کنندگان،امنیت‏ انرژی به مفهوم کفایت و دسترسی‏ مستمر به انرژی با کمترین قیمت‏ است.برای تولید کنندگان و صادر کنندگان،امنیت انرژی معنایی‏ دیگر دارد.برای آنها دسترسی‏ دراز مدت به بازارها با قیمت‏های‏ متضمن بازدهی منصفانه،معنای‏ درست امنیت انرژی است.اما دقت بیشتر در این دو طرز برداشت نشان می‏دهد که آنها دو روی یک سکه‏اند و از این‏ روست که حل موانع و مشکلات هر یک و پاسخگویی به‏ خواسته‏های هر کدام،بی‏توجه به دیدگاه دیگری،عملا امکان پذیر نیست.

نتیجه‏ی یکسان نبودن برداشت مصرف کنندگان و تولید کنندگان انرژی از مفهوم«امنیت انرژی»تفاوت در وزن‏ و اهمیت چالش‏ها است.به رغم این تفاوت‏ها،تردیدی نیست‏ که همگرایی و تعامل مجموعه‏ی این چالش‏ها می‏تواند جهان‏ را با مشکلات جبران ناپذیری مواجه سازد.در فهرست طولانی‏ این چالش‏ها،برخی چالش‏ها جایگاهی برجسته‏تر در اذهان‏ به خود اختصاص داده‏اند.چنانکه از دیدگاه تولید کنندگان‏ انرژی و به ویژه تولید کنندگان نفت و گاز،چالش‏های‏ برجسته‏تر مقولاتی هستند همچون قیمت و ثبات بازار،توسعه‏ اقتصاد ملی،همکاری‏های چند جانبه، تحریم‏ها،ظرفیت تولید،سهم بازار، نقش گاز طبیعی،نحوه دسترسی به‏ سرمایه و تکنولوژی،پایان پذیری ذخایر، و حفاظت محیط زیست.حتی‏ خلاصه‏ای از مهمترین چالش‏ها نیز در برگیرنده مقولاتی بس پیچیده و طولانی‏ است که بحث در هر مورد نیازمند برگزاری نشست‏های متعدد است.از این‏رو،در این فرصت تنها به چند مورد از این چالش‏ها می‏توان اشاره کرد.

به طور کلی تولید کنندگان و صادر کنندگان معتقدند که‏ سیاست‏های تولید و صادرات انرژی، به ویژه در مورد نفت و گاز،باید در راستای حصول اطمینان از ثبات و نظم‏گیری بازار جهانی و براساس‏ قیمت‏های منطقی،عرضه مطمئن و بهره‏مندی از بازدهی منصفانه سود سرمایه‏گذاری‏ها و صیانت از ذخایر باشد.زیرا صاحبان ذخایر انرژی به درستی، تحقق برنامه‏های توسعه اقتصاد ملی خود را در ارتباط تنگاتنگ با این مقولات ارزیابی کرده‏اند.بدینسان و از این‏ دیدگاه،تحقق کامل امنیت انرژی برای تولید کننده و مصرف کننده زمانی امکان‏پذیر است که پایداری رشد اقتصاد ملی کشور عرضه کننده مخدوش نگردد و در جهت‏ تحقق این امر دسترسی بدون مانع به بازارهای جهانی انرژی، سرمایه و تکنولوژی،ضرورتی انکار ناپذیر است.به همین‏ سبب است که تولید کنندگان انرژی اعمال سیاست‏های‏ تبعیضی در ارتباط با پاره‏ای از حامل‏ها،نظیر پرداخت یارانه‏ به ذغال سنگ،و اعمال مالیات‏های بسیار سنگین به مصرف‏ فرآورده‏های نفتی به بهانه حفاظت از محیط زیست را از جمله چالش‏ها و مشکلات بسیار مهم در راه دسترسی بدون موانع ساختگی به بازارهای جهانی ارزیابی می‏کنند.

علاوه بر این،تولید کنندگان،تحریم‏های یک سویه اقتصادی‏ و نشات گرفته از انگیزه‏های سیاسی را نیز سیاستی مغایر با اهداف امنیت انرژی می‏دانند،و به درستی معتقدند که اعمال‏ این تحریم‏ها و به ویژه مقررات غیر قابل قبول و ماورای‏ سرزمینی،جز افزایش قیمت‏ها،کاهش همکاری‏ها،و ممنانعت از جابه‏جایی سرمایه و به تبع آن،کاستن از امنیت‏ انرژی نتیجه‏ای ندارد.

صرفه و صلاح مصرف کنندگان علاقه‏مند به امنیت‏ انرژی در آن است که برای جلوگیری از ادامه این سیاست‏ها، دست در دست تولید کنندگان به چاره اندیشی و رایزنی‏های‏ لازم بپردازند.

از سوی دیگر رویدادهای دهه اخیر بار دیگر نشان داد که‏ امنیت انرژی با ثبات قیمت انرژی رابطه تنگاتنگ دارد.این‏ رویدادها به روشنی مشخص کرد که ساختار قیمت انرژی‏ و به ویژه قیمت نفت خام تا چه اندازه بی‏ثبات و غیر قابل‏ پیش‏بینی است و تا چه حد عواملی روانی حاکم بر بازار در ناپدیداری‏ها مؤثرند.این تجربه همچنین به‏ وضوح نشان داد که فقط اقدامات و اعمال‏ سیاست‏ها و راهکارهای جمعی می‏تواند مانع از سوق یافتن بازارهای جهانی به‏ وضعیتی ناپذیرفتنی شود.از این‏رو است‏ که در بهبود وضعیت بازار جهانی و پایداری امنیت انرژی،«اوپک»نقشی بس‏ اساسی ایفا می‏کند؛چنانکه تجربه سال‏های‏ 1997 تا 2000 میلادی نیز مؤید همین‏ موضوع و در عین حال،نشان دهند اهمیت همکاری‏های چند جانبه است.

در آن سال‏ها،نخست قیمت نفت خام‏ به سطحی فرو افتاد که باری ادامه‏ سرمایه‏گذاری و استمرار تولید در دراز مدت‏ ناکافی بود و حتی در دسامبر سال 1998 این‏ قیمت به سطح بشکه‏ای کمتر از 10 دلار تنزل کرد.این وضعیت نامتعادل و مغایر با منافع تولید کننده و مصرف کننده تنها زمانی به تعادل رسید که اعضای اوپک همراه با تولید کنندگان غیر اوپک در اقدامی‏ هماهنگ به تنظیم سطح تولید نفت خام همت گماشتند.

عدم دخالت در بازار،لزوما و به خودی خود منجر به‏ ایجاد تعادل‏های لازم نمی‏شود،و دخالت یکسویه«اوپک» نیز نمی‏تواند به طور کامل تعادل لازم را در بازار جهانی‏ نفت بوجود آورد.با برخورداری از این تجربه‏ها باید پذیرفت که از دیدگاه امنیت انرژی آنچه بیش از همه واجد اهمیت است نه مدیریت موردی بحران،که پایداری تعادل‏ در بازار است.این گونه پایداری نیز زمانی به دست آمدنی‏ است که اقدامات لازم قبل از وقوع بحران عملی شود.این‏ رویکرد به سود همگان است؛اعم از تولید کننده، صادر کننده و مصرف کننده.

آزادسازی جریان اطلاعات و برداشت از مسائل از جمله‏ موارد مهم دیگری است که به تخفیف چالش‏های پیش‏رو می‏انجامد و امنیت انرژی را برای همه طرف‏های ذینفع‏ تامین می‏کند.به ویژه تلاش برای یکسان سازی برداشت‏ها، در آغاز قرنی که تنش‏های گسترده،منطقه پراهمیت نفت‏ و گاز خیز خاورمیانه را به شدت متشنج کرده است واجد اولویتی انکار ناپذیر است.

پیگیری این مقوله می‏تواند منجر به یافتن راهکارهای‏ مناسب با هزینه اندک برای توسعه ظرفیت‏ها،گسترش‏ تولید کنندگان،تحریم‏های‏ یک سویه اقتصادی و نشات‏ گرفته از انگیزه‏های سیاسی‏ را مغایر با اهداف امنیت‏ انرژی می‏دانند

فقط اقدامات و اعمال‏ سیاست‏ها و راهکارهای جمعی‏ می‏تواند مانع از سوق یافتن‏ بازارهای جهانی به‏ وضعیتی ناپذیرفتنی شود

راه‏های ترانزیت،دسترسی به سرمایه و تکنولوژی‏های لازم، اصلاح نظام‏های مالیاتی مغایر با منافع تولید کنندگان و بالاخره‏ توسعه مصرف گاز طبیعی در جایگزینی با حامل‏های مضربه‏ سلامت محیط زیست شود و از این طریق و در جوی آمیخته‏ با تفاهم،امنیت انرژی برای دهه‏های آتی تامین و تضمین شود.

چنان که تجربه سال‏های اخیر به ما آموخته است‏ گفتگوهای چند جانبه و تبادل اطلاعات می‏تواند تا حدود زیادی دیدگاه‏های تولید کنندگان و مصرف کنندگان را در جهت کاستن از مشکلات عرضه و تقاضا به یکدیگر نزدیک‏ کند.با این حال هنوز هم بار سرمایه‏گذاری‏ها و تلاش‏های‏ بی‏وقفه برای دسترسی به تکنولوژی‏های مؤثر در گسترش‏ ظرفیت‏ها بر دوش تولید کنندگان سنگینی می‏کند. بی‏تردید کمک مؤثر به حل و فصل این موارد باید با اهمیت بیشتر در دستور کار مصرف کنندگان قرار گیرد تا هدف تامین امنیت انرژی بتواند در افق‏های دراز مدت‏تر به نفع طرفین گسترش یابد.

از سوی دیگر و از دیدگاه تولید کنندگان انرژی‏های فسیلی، چالش‏های واقعی و غیر واقعی زیست محیطی به گونه‏ای است‏ که سرمایه‏گذاری در ظرفیت‏های جدید را با بی‏اطمینانی‏های‏ جدید روبه‏رو ساخته است.این چالش به ویژه در مورد نفت‏ که هدف عمده طرفداران محیط زیست در کشورهای وارد کننده است از اهمیتی فوق العاده برخوردار است و از این‏رو، ضروری است سیاست‏های جدیدی برای پاسخگویی به‏ چالش‏های زیست محیطی اتخاذ شود.این‏ سیاست‏ها باید همه فعالیت‏های‏ عرضه کنندگان انرژی را در بخش‏های‏ بالا دستی و پایین دستی و نیز از جنبه کیفیت‏ محصول در برگیرد.

علاوه بر این،تولید کنندگان باید ضرورت‏ های تغییر الگوی مصرف انرژی و تمایل‏ بازار به استفاده از انرژی‏های کمتر آلاینده‏ را با دقت بیشتر مدنظر قرار دهند.در این‏ ارتباط،گسترش تولید و جایگزینی گاز طبیعی به شکل‏های مختلف و تبدیل گاز طبیعی به فرآورده،عاملی مهم برای مهار مشکلات زیست محیطی است.در عین‏ حال،گاز طبیعی می‏تواند به عنوان پلی برای‏ دستیابی جهان به انرژی پاک مطرح باشد.

چالش‏های مهم دیگر برای‏ تولید کنندگان انرژی به ویژه در شرکت‏های ملی نفت دستیابی به سطوح کارآیی بالاتر و پایداری در این زمینه است.تجربه سال‏های اخیر نشان داده‏ که بازار انرژی روز به روز جهانی‏تر و رقابتی‏تر می‏شود و چنانچه تولید کنندگان نفت در این ارتباط تنها به دفاع از قیمت بسنده کنند توانایی‏های کنونی را از کف خواهند داد.تردید نیست که عملی‏ترین راه برای رقابتی عمل کردن‏ در شرکت‏های ملی نفت رعایت موازین تجاری و به ویژه‏ تاکید بر بهره‏وری است.رعایت این موازین به ویژه در شرایطی که نیروهای بازار از طریق تامین مالی و در بازارهای‏ نفت فشارهای روزافزونی را به شرکت‏های ملی وارد می‏کند و دنیای جهانی شده نیز همراه با مقررات زدایی‏ها، عملکردهای جدیدی را به بازار تحمیل می‏کند،از اهمیت‏ ویژه‏ای برخوردار است.بدینسان باید پذیرفت که در مقابله‏ با چالش‏هایی از این دست،هر تولید کننده انرژی باید مزیت‏های رقابتی خود را به درستی شناسایی کرده و از آن‏ در جهت پیشرفت و گسترش امنیت انرژی استفاده کند.در غیر این صورت،شکست حتمی است.